

بررسی موضوعات، مضامین و قالبهای شعر جنگ

پرنده فیاض منش

پژوهشگر گروه پژوهشی زبان و ادبیات فارسی
پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

چکیده

چون ادبیات آینه تمام‌نمای روح یک ملت و منعکس‌کننده تحولات اجتماعی هر عصر است؛ ادبیات جنگ به ویژه شعر آن نشان‌دهنده هشت سال دفاع و مقاومت ملت مبارز ایران است. در این مقاله سعی شده است انعکاس تحولات ناشی از جنگ بر موضوعات، مضامین و قالب‌های شعر این دوره ارزیابی شود. برای تبیین این مسأله با مروری بر اشعار جنگ، ابتدا به بحث درباره ویژگی‌های شعر جنگ و موضوعات و مضامین آن پرداخته، تحولات خاص هر قالب را بررسی کردیم. ضمن این بررسی آشکار شد تجلی و تأثیر جنگ بر ادبیات، موضوعات و مضامین تازه‌ای را که پیش از این در شعر جایگاهی نداشتند به عرصه شعر و شاعری وارد کرد؛ چنانکه این اشعار بیانگر عاطفه، تخیل و احساسات شاعرانه شاعران جنگ هستند. قالب‌های شعر جنگ نیز بسیار متنوع است و شاعران از تمامی قالب‌های کلاسیک و نو با زبانی ساده و عاری از تکلف برای بیان موضوعات و مضامین مورد نظر خود استفاده کرده‌اند اما فراوانی غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و قالب‌های نو چشمگیرتر از سایر قالب‌هاست، همچنین قالب‌های غزل و رباعی در شعر جنگ صبغه‌ای خاص دارند.

واژگان کلیدی: تحلیل، موضوع، مضمون، قالب، شعر جنگ.

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی از جمله عواملی است که در تحولات ادبی مؤثر هستند. چنانکه ادبیات مقاومت در انقلاب اسلامی نیز از حوادث و رویدادهای اجتماعی نشأت گرفته است. شعر جنگ مولود زمان خود و منعکس‌کنندهٔ اوضاع و احوال اجتماعی هشت سال مبارزه و مقاومت است. شاعران جنگ از تأثیر شادی‌ها و غم‌های برآمده از جنگ بر اندیشه و احساس خویش به سرایش شعر جنگ روی آورده و به وسیلهٔ اشعار خود بر مخاطب اثر گذاشته‌اند. برای درک اوضاع و احوال زمان جنگ و روحیهٔ حاکم بر اجتماع، بررسی شعر جنگ از حیث موضوع و قالب اهمیت خاصی دارد که در این مجال شعر جنگ را به اجمال بررسی کرده، سپس دامنهٔ تأثیر جنگ و تغییر و تحول موضوعات، مضامین و قالب‌های شعری تبیین خواهد شد.

شعر جنگ

بدون شک تحولات سیاسی و اجتماعی در هر دوره‌ای موجب دگرگونی‌های ژرف در ادبیات و هنر هر کشور خواهد شد، زیرا ادبیات و هنر با اجتماع پیوند و رابطه‌ای ناگسستنی دارند. از سال ۱۳۵۹ به بعد در پی حملهٔ عراق به ایران، ادبیات با چرخشی وسیع متوجه جنگ شد. شعر در این دوره - به دلیل اینکه راه کوتاه‌تری بین تحریک قریحه و آفرینش می‌پیماید (بهبودی، ۱۳۷۳: ۸۱) - نسبت به قالب‌های دیگر با بسآمد بیشتر استفاده شد و به خدمت جنگ درآمد.

ورود شعر به صحنهٔ جنگ با نفوذ جنگ به شهر شعر و انعکاس آن، ابتدا بیشتر شبیه یک هجوم ناشیانه، اما همگانی بود. دهها، بلکه صدها شاعر با حربهٔ سخن وارد میدان شدند و مضامینی را در این مسیر به خدمت گرفتند (جعفریان: ۱۳۶۹: ۴۳). در شعرهای اولیهٔ جنگ، عاطفه و تخیل کم‌رنگ بود و شعر با وقایع روزانهٔ جنگ پیوند داشت. زیرا بسیاری از شاعران جنگ رزمنده بودند، جنگ را در گوشت و خون خود لمس کرده، این قرار گرفتن در فضای حالت انتقالی شعر، به شعر آنان صمیمیت و صداقت ارزنده‌ای بخشیده بود (رستگار، ۱۳۷۳: ۲۶۷)؛ چنان‌که شاعری که یار و هم‌رزم خود را از دست داده است، اندوه خود را با احساسی صمیمانه در شعر جای کرده، با استفاده از تصاویر بدیع و تازه یاد و خاطرهٔ او را زنده و گرامی می‌دارد.

شعر جنگ، شعری سرشار از معنویت، پاکی و قداست است که «ستایش روح والای رزمندگان و جانبازان در کلام شاعران آگاه و هنرمند آن به انسان نیرو و حیاتی دوباره می‌بخشد و انسان با خواندن آن صفات ملکوتی و برتر، احساس شرم و خجالت می‌کند و خود را در برابر عظمت آنان کوچک می‌شمرد» (رادفر، ۱۳۷۳: ۱۸۸).

شاعران جنگ با تأثیر از حماسهٔ جاودانهٔ عاشورا، پیوند و رابطه‌ای بسیار نزدیک و صمیمی بین

زمان خود و زمان وقوع حماسه عاشورا به وجود آوردند. این شاعران با گسترش فرهنگ اسلامی و با تعهدی خاص به مسائل نگریده، آن را در تار و پود شعر خویش نشان داده‌اند.

“ریشه‌وری و مایه‌وری شعری، هم از حیث نیرومندی احساس و شور و اوج تخیل و هم از دیدگاه قالب‌های اصیل شعری، چیزی است که در شعر جنگ نه تنها جای خود را خالی نکرده، بلکه تجلی نیکویی داشته است. به عنوان نمونه مهرداد اوستا قصیده‌ای تحت عنوان «حماسه شهید» سروده و چامه خود را به اقتضای شاعران بزرگ سلف چون منوچهری و بهار^۱ - چونان که آنان نیز از عتاب بن‌ورقاء شیبانی ساز کرده‌اند - چنین سروده است (تجلیل، ۱۳۷۳: ۹۴).

فری شهید و عز و اعتلای او کرامت و کمال کبریای او
ولایت و سرود جانفزای او شهادت و حماسه ولای او

(اوستا، ۱۳۶۹: ۹۹)

اسطوره‌سازی یکی از ابعاد شعر جنگ است که شاعران با استفاده صحیح و مناسب از شخصیت‌های اساطیری توانسته‌اند یاد و خاطره حماسه‌سازی‌ها و دلاوریهای رزمندگان، شهیدان و مردم را جاودانه سازند: “بار دیگر/پهنای شعله‌زار اساطیری/آغوش سرخ ایران/میدان آزمون سیاوش است (صالحی، ۱۳۶۹: ۴۳).”

کاربرد تصاویر حماسی - اساطیری چون سودابه گل، سیاوش نسیم، قاف گل و نمادهایی چون لاله، شقایق، سرو و سپیدار برای شهید و گسترش واژگان و ترکیباتی مانند شهادت، بسیجی و جبهه که پیش از این کاربرد کمی داشتند، از دیگر ویژگیهای شعر جنگ است. شعر جنگ به زبان مردم است. لحنی بی‌تکلف، صمیمی و محزون دارد؛ لحنی که از دل برآمده، بر دل می‌نشیند و شاعر جنگ از تأثیر دردها و شادی‌های جامعه بر دل و جان و احساس و اندیشه خویش، برای مردم می‌گوید و همین ویژگی، شعر جنگ را زیباتر، عاطفی‌تر و ماندنی‌تر کرده است.

دلم برای جبهه تنگ شده است/آنجا معنویت به درک نیامده بسیار است/آنجا ما مقابل آسمان می‌نشینیم/و زمین را مرور می‌کنیم/و به اندازه چندین چشم معجزه می‌بینیم/چقدر تماشای دورها زیباست! (هراتی، ۱۳۷۶: ۷۹).

موضوعات و مضامین شعر جنگ

آثار و تبعات جنگ ادبیات را با تحولاتی روبه‌رو ساخت. “شعر به سنگرها رفت و برخی از شاعران با استشمام بوی باروت و دودناشی از بمباران‌ها، واقعیت جنگ را در عمل آزمودند و مضمون‌ها و تصویرهای بکری از واقعیتهای زندگی به آنان الهام گردید (یاحقى، ۱۳۷۵: ۲۵۳).” دعوت به نبرد، دلاوری رزمندگان، آزادگان، قصه جنگ و ویرانی شهرها، آوارگی مردم، آرزوی

شیرین شهادت، دلتنگی و غمگینی فرزندان و سرانجام بازگشت پلاک و جامه‌ای از لاله‌های پرپر شده دشت خونین حماسه، جانمایه‌های خوبی برای مضمون پردازی بود که شاعران از آن بهره‌ای تمام بردند و آثار موفقی ارائه دادند. موضوعات و مضامین شعر جنگ عبارت است از:

۱. رجزهای حماسی

بیان دلاوری‌های رزمندگان و افتخارات کشور، تحریض و تشویق رزمندگان به نبرد و دعوت به مبارزه و جهاد، مضمونهای رجزهای شعر جنگ را تشکیل می‌دهد:

ما خلق‌های کشور خون و شهادتیم تمثیلی از حماسه و ایشار و وحدتیم
ماییم از نییره‌هاییل آفتاب کاین گونه در مقابل قاییل ظلمتیم
(مردانی، ۱۳۷۴: ۲۷)

۲. فخر

ستایش دلاوریها و حماسه شکوه رزمندگان، جانبازان و آزادگان همچنین مفاخره به مقام امام (ره) و شهیدان و ستایش عظمت و استقامت پدران و مادران شهدا از مضامین موضوع فخر در شعر جنگ است. شاعران جنگ از شخصیت‌های اساطیری ملی، مذهبی و تاریخی اسلام برای تبیین بزرگواری، عظمت، شجاعت و جوانمردی دلیران ملت ایران استفاده کرده‌اند و قهرمانان این دفاع را بر شخصیت‌های پیشین ترجیح داده، آنان را می‌ستایند.

به رستم بگو ای جهان پهلوان هنرمند و رزم‌آور و پرتوان
تو بودی به گردان ایران امید دریدی جگر گاه دیو سفید
... و لیکن ندیدی زره‌پوش را که فریاد آن کر کند گوش را
تو نشیده‌ای بانگ خمپاره را و یا غرش توپ و طیاره را...
(شعر جنگ، ۱۳۶۲: ۷۳)

۳. شهید و شهادت

شهید و شهادت یکی از موضوعات برجسته و ارزشمند شعر جنگ است. "شهادت در سروده‌های جنگ هم شکوهمند و حماسی و عارفانه و جامعه‌ساز است و هم حسرت‌آفرین (سنگری، ۱۳۷۸: ۱۵۴)". توصیف عظمت شهیدان و جاودانگی آنان، توصیف عاشقانه و عارفانه از شهید و شهادت و تجدید بیعت با آنان از جانمایه‌ها و مضمون‌های این موضوع است.

چکید آوای تو در کوچۀ دل طنین نای تو در کوچۀ دل
شهادت بی‌خبر هوش از سرم برد صدای پای تو در کوچۀ دل
(محمودی، ۱۳۶۵: ۷۶)

۴. جانبازان و اسرا

توصیف شکوهمند و گاه عارفانه‌ی اسیران آزاده و جانبازان، آنان که در باغ استقامت حماسه آفریدند و تا ساحل شهادت رفتند؛ دست قضا را گرفته، همگام با قدر بازگشتند از مضامینی است که شاعران بدان پرداخته‌اند.

دلا دیدی آن عاشقان را؟! جهانی رهایی در آوازشان بود/ و در بند حتی / قفس شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود:/ پیام‌آورانی که در قتلگاه ترنم / سرودن - علی‌رغم زنجیر - / اعجازشان بود (حسینی، ۱۳۶۳: ۷۴).

۵. دلتنگی

دلتنگی در شعر جنگ گاه با مفاخره همراه است و گاه با تحسّر شاعرانه. دلتنگی برای شهیدان و بیان عظمت آنان، تحسّر شاعر از ماندن خود، دلتنگی و تحسّر برای کم‌رنگ شدن ارزش‌ها با تداعی خاطرات روزهای جنگ از مهمترین مضمون‌های این قسمت است.

اینجا/ هر شام خامشانه به خود گفتیم:/ امشب / درخانه‌های خاکی خواب‌آلود / جیغ کدام مادر بیدار است / که در گلو نیامده می‌خشکد؟ / اینجا سپور هر صبح / خاکستر عزیزی را / همراه می‌برد! / ... اینان / هرچند/ بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند فاتح و نستوه / - بی‌هیچ خان و مان - (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۹).

۶. اعتراض

اعتراض به کم‌رنگ شدن ارزش‌های جنگ و فراموشی یاد و خاطره جوانمردی‌ها، طعنه به دین فروشان دنیا پرست؛ بی‌درد مردمانی که نسبت به درد دردمندان بی‌تفاوت‌اند، از مضمون‌های سروده‌های جنگ است که با دلتنگی و تحسّر همراه است.

هشدار که باغ شوره زاران نشود این خانه مکان لاش‌خواران نشود
میراث گرانبار شهیدان! هشدار بازیچه خیل بی‌تباران نشود
(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۵۱)

۷. آرمان

انتظار فرج مهدی موعود (عج)، آرزوی شهادت، شوق بازگشت اسیران و روزهای جنگ و جبهه، آرزوی آبادی و عمران شهرهای ویران وطن و سرانجام آزادی تمام مسلمین و ملت‌های تحت ستم و برقراری عدل و عدالت از جمله آرمان‌های شاعران جنگ است. این شاعران در انتظار گل نرگس آه می‌کشند. مرگی سرخ چون شقایق، کبوتروار پرپرشدن و پاک رفتن را خواهان‌اند. می‌خواهند خاک کهن وطن را اگر هزار بار هم ویران گردد، آباد سازند.

آه می‌کشم تو را با تمام انتظار پرشکوفه کن مرا ای کرامت بهار

در رهت به انتظار صف به صف نشسته‌اند کاروانی از شهید، کاروانی از بهار
(تقوّه، ۱۳۷۸: ۲۵)

۸. جنگ، دفاع و باورهای مذهبی - عرفانی

دفاع، در شعر جنگ آزمون الهی و سرشار از معنویت است. مقابله نور و ظلمت است و ایستادگی در برابر ظالمان. دفاعی فراتر از مرزهای ایران برای آزادی ستمدیدگاه و براندازی ظالمان. دلاور مردان خطه پاک میهن در این دفاع بر پیشانی مرگ بوسه می‌زنند و با آغوشی گشاده به استقبال شهادت می‌روند. مرگ با عزت شعار این دلیران است. تسلیم را نمی‌پذیرند و عاشقانه به فرمان پیر مغان سجاده را به می ناب شهادت رنگین می‌کنند.

شیطان، حنجره کوچک ما را خوش نمی‌دارد/ چرا که فریب هزاران مرز دروغش را/ درهم شکسته‌ایم./ و مرزی دیگرگونه را پی افکنده‌ایم / مرزی از جنوب ایران / تا جنوب لبنان/ و تا جنوب سرزمین تمام مظلومان جهان. (عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۸۱).

۹. نوید فتح و پیروزی

یکی از موضوعاتی که با وجد و شادی و گاه با دلتنگی همراه است، فتح و پیروزی است. قاصد خوش خبر بشارت و نوید آزادی شهرها و حماسه‌سازی‌های قهرمانان را در عرصه جنگ بر کوی و برزن به ارمغان می‌آورد و شیرینی این پیروزی و طلوع فجر، اشک شوق را بر دیدگان ملتی غیور می‌نشانند.

مژده فتح خرمشهر/ در ساعت چهار بعدازظهر/ در خیابان آزادی / غریو شادمانی/ در طوفان حنجره‌ها/ و زلال اشک شوق/ در سپیده چشمان شهر/ ... و خط ویژه آمبولانس‌ها / با مجروحان جنگی / و آذیرهای پیروزی / بوی خوش حماسه مردان خرمشهر را / در خیابان آزادی می‌گستراند (عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۷۴).

۱۰. وطن

وطن از موضوعات مهم اشعار جنگ است که تقریباً تمامی شاعران در قالب‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند. عشق به میهن، توصیف شکوهمند و با عظمت وطن، سوگ سروده‌هایی که درباره شهرهای اشغالی و ویران جنگ سروده شده است، دلتنگی برای شهرها و بالاخره دعوت به مبارزه و ایستادگی در مقابل فتنه‌های دشمن و سرافرازی وطن، از مضمون‌های مهم این دسته از اشعار است. ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطن من! / ای تواناترین مظلوم / تو را دوست دارم. / ای آفتاب شمایل دریا دل / و مرگ در کنار تو زندگی است / ای منظومه نفیس غم و لبخند / ای فروتن نیرومند! / ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سربلند (هراتی، ۱۳۷۶: ۹).

۱۱. مضامین عاشورایی و عرفانی

مضامین عاشورایی و عرفانی در ساختار حماسی شعر جنگ جایگاه ویژه‌ای دارد. شاعران، جنگ را تجدید حماسه خونین کربلا می‌دانند و با استفاده از واژگان و تلمیحات عاشورایی بدین موضوع می‌پردازند. واژگان و تعبیرات عرفانی نیز در قالب‌های گوناگون شعر برای بیان عارفانه و عاشقانه مضامین جنگ به کار رفته‌اند.

«لا» بود که کشته و لا بود شهید
 «لا» بود و الست را «بلی» بود شهید
 با قامت واژگونه در خونش نیز
 تصویر و تجسمی ز «لا» بود شهید
 (امین پور، ۱۳۶۳: ۴۹)

قالب‌های شعر جنگ

یکی از ویژگی‌های اساسی شعر جنگ کاربرد قالب‌های مختلف شعری برای بیان مفاهیم و مضامین جنگ و مسائل پیرامون آن است تا جایی که بیشتر شعرا در این قالب‌ها به ویژه غزل و رباعی طبع آزمایی کرده و هر یک در جهت دستیابی به زبان و سبکی خاص کوشیده‌اند.

۱. غزل

غزل یکی از مرسوم‌ترین قالب‌های شعر جنگ است. شاعران به دلیل ظرفیتی که غزل در پیشینه خود برای بیان مفاهیم عرفانی و معنوی نشان داده بود، این قالب را ظرف مناسبی برای بیان بسیاری از عواطف معنوی و روحانی یافتند. این عواطف با روح حماسه درآمیخت و خود این آمیختگی، ظرفیت‌های نوینی را برای غزل به وجود آورد.

ویژگی اصلی غزل جنگ سادگی، زلالی و نزدیکی به زبان محاوره است. درست برعکس غزلسرایان کلاسیک که در هر بیتی چندین صنعت لفظی و معنوی را ردیف می‌کنند (ترابی، ۱۳۷۵: ۱۶۴)؛ علی‌رغم این ویژگی گروهی از شاعران جنگ، ضمن اعتقاد به نوآوری و کوشش برای طراوت زبان، نسبت به ابزار و شیوه‌هایی که قله‌های پیشین غزل به کار گرفته‌اند، بی‌توجه نماندند و کوشیدند تا از روی صنایعی چون جناس، مراعات نظیر، اغراق، متناقض‌نما و ایهام استفاده کنند، البته دغدغه نوآوری و پرهیز از تکرار غالباً مانع از این بود که این صنایع به تکلف و تصنع بر شعر تحمیل شوند. صنایع شعر این دوره به تبع ساخت و بافت زبان به گونه‌ای درخور تازگی‌های شعر این گروه مورد استفاده قرار گرفته است (باقری و همکاران، ۱۳۷۲: ۲۱-۲۵). زکریا اخلاقی در بیت ذیل برای بیان مفهوم خود از صنعت تناسب استفاده کرده است:

رشته خونی که دوش از سوزن خنجر گذشت
 اطلس دامان سنگر را به گلدوزی گرفت
 (اخلاقی، ۱۳۷۱: ۳۷)

ترکیب‌سازی از جمله اساسی‌ترین نوآوری‌های غزل جنگ است. واژگان این نوع غزل‌ها صلابت خاصی دارند و حتی می‌توان گفت که در بعضی موارد واژه‌ها تغزلی نیستند. ضمیر جمع نیز در غزل‌های جنگ بسیار به کار رفته است. با تلفیق حماسه و عرفان، تعبیرات و اصطلاحات عرفانی در غزلیات حماسی- عرفانی شعر جنگ نمود خاصی یافت چنانکه بسامد واژگان و ترکیباتی چون شوق، جذبه، تجلی، باده، بوستان، ملکوت، نغمه حزن و وادی حسرت قابل توجه است.

از تب داغ آلاله مستیم، باده نوش سبوی الستیم
از بلندای هر تاک جاری است، شاخه‌های هواداری ما
(کاکایی، ۱۳۷۶: ۳۳)

سوگ سروده‌ها از بهترین غزل‌های جنگ هستند که در رثای شهدا سروده شده‌اند. در اغلب این سوگ سروده‌ها «شهادت» به عنوان حماسه‌ای باشکوه ظهور پیدا می‌کند و شهید نیز به جای محبوب غزل‌های کهن می‌نشینند. این قبیل از اشعار از عاطفه سرشارند و لطافت خاصی دارند. شاعر در این سوگ سروده‌ها خود را متهم می‌کند و از ماندن خود دلگیر است.

چه زخم لاف رفاقت، نه غم چون غم توست
نه از آن گرم‌دلی هیچ نشانی است مرا
(باقری، ۱۳۶۵: ۱۴)

۲. مثنوی

یکی از پویاترین قالب‌های شعر جنگ، مثنوی است که تحولات زیادی داشته است. مثنوی‌های جنگ گاه در شکل ساده و روان بر زبان شاعران جاری شده و گاه در شکلی خشن و استوار نمایان گشته است. خاستگاه این نوآوری در آثار بعضی که فقط مثنوی را تجربه کرده‌اند، تنها در محدوده‌ی کلمات و تعبیرات قابل جستجو است. شاعرانی از قبیل محمدرضا عبدالملکیان و سلمان هراتی در معدود مثنوی‌های خود از ویژگی‌های زبان آشنای خویش دور نماندند و نوذر پررنگ نیز در مثنوی ساقی‌نامه‌ی خود گاه تصویرهای حماسی و لحظه‌ای به دست داد. (ترابی، ۱۳۷۵: ۲۲۲ و باقری و همکاران، ۱۳۷۲: ۱۲۴-۱۲۵)

«حسن حسینی، یوسفعلی میرشکاک، صدیقه و سمنی و پرویز بیگی حبیب‌آبادی در مثنوی‌های خود به اقتضای قالب، مایه‌های داستانی، تاریخی و اندیشه‌ای این دوران را بازتابانند و در برخی از این مثنوی‌ها به ساختار حماسی و اسطوره‌ای نزدیک شدند» (قبادی، ۱۳۷۹: ۴۵).

علی معلم و احمد عزیزی بیش از دیگران به مثنوی پرداخته‌اند. مثنوی‌های علی معلم از یک سو ریشه در شعر کهن و زبان پرصلابت قصیده‌سرایان سده‌های چهارم و پنجم دارد و از دیگر سو توجه به حیات و حرکت زبان و تعبیر نو. اما مهمترین ویژگی مثنوی‌های او را می‌توان رنگ حماسی عرفانی آن دانست که شعر او را از دیگر مثنوی‌سرایان متمایز کرده است (ترابی، ۱۳۷۵: ۲۲۲ و میرجعفری ۱۳۷۶: ۱۰۴).

در اشعار احمد عزیزی تصویرهای نو تخیل برانگیز بسیار است و ترکیب‌های تازه در شعر او نقش خاصی دارد. استفاده از تعابیر قرآنی و دینی، همچنین اسطوره‌های دینی و تاریخی از ویژگی‌های مثنوی‌های اوست؛ احمد عزیزی در اشعار خود نیز از طبیعت و زیبایی‌های آن غافل نمی‌ماند:

سینه از زخم شقایق چاک کن بعد روح لاله را ادراک کن
گل‌شناسان، عطردانان‌اند و بس فاتحان غنچه آنان‌اند و بس
(عزیزی، ۱۳۶۷: ۲۰۵)

علاوه بر شعرای مذکور، مشفق کاشانی، قادر طهماسبی، حمید سبزواری، محمود شاهرخی، حسین اسرافیلی، علیرضا قزوه، ساعد باقری و مهرداد اوستا نیز از این قالب برای توصیف و شرح موضوعات و مضامین جنگ سود جسته‌اند. مشفق کاشانی در یکی از مثنوی‌های خویش در بحر متقارب به چهارپاره می‌گراید و در چهارپاره از زحاف دیگر این بحر استفاده می‌کند:

الای عقابان دشمن شکار خروشان و توفنده در کارزار
نشسته سحر، به صبح ظفر به هر رهگذر به دیدارتان
به رزمی چنین، هزار آفرین بود دست حق نگهدارتان
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۴۱)

۳. غزل مثنوی

گاه شاعر در میان مثنوی، ابیاتی را به صورت مصرع می‌آورد که بدان غزل مثنوی گویند. این امر در تاریخ ادبیات ما بی‌سابقه نیست.^۲ غزل مثنوی در شعر جنگ رواج چندانی ندارد؛ اما آنچه این قالب را از غزل مثنوی‌های پیشین متمایز می‌سازد، این است که فضای ابیات غزل در غزل مثنوی‌های جنگ با مثنوی یکسان است، در حالی که «در گذشته ابیاتی که در قالب غزل می‌آوردند کاملاً حال و هوای غزل را داشت و اگر غزل از کل منظومه جدا می‌شد، نه تنها به بافت منظومه لطمه‌ای نمی‌زد، بلکه شعر جداشده نیز به عنوان یک غزل مستقل قابل قبول بود» (میرجعفری، ۱۳۷۶: ۱۰۹).

محمدحسین جعفریان دلتنگی و تحسّر خود را برای یاران چنین بیان می‌کند:

دیشب از چشمم «بسیجی» می‌چکید از تمام شب «دوعیجی» می‌چکید
باز بشاران شهیدان بود و من باز شبهای مریوان بود و من
...یادهای رفته دیشب هست شد شعرم از جام اثیری مست شد
تا به اقیانوسهای دوردست همچنان رودی که می‌پیوست شد...
(شورای شعر کنگره سرداران شهید سپاه استان تهران، ۱۳۷۷: ۸۱)

۴. رباعی و دوبیتی

رباعی و دوبیتی همچون قالب‌های دیگر شعر، تحت تأثیر تحولات مربوط به جنگ قرار گرفت. «اگرچه پیش از این، مفاهیم عاشقانه و عارفانه در قالب‌های مذکور سروده می‌شد، در این دوره مفاهیم سیاسی، اجتماعی جای موضوعات پیشین را گرفت.» (کاکایی، ۱۳۷۶: ۵) شاعران جنگ از این دو قالب برای بیان اندیشه‌های شاعرانه و لحظه‌های زودگذر شعری استفاده کردند و توانستند جوش احساسات خویش را در این ظرف بریزند.

اندیشه دفاع قهرمانانه و نگاه شهادت‌طلبانه، روح غالب رباعی جنگ است. رباعیاتی که به موضوعاتی چون شهید و شهادت و دل‌تنگی و تحسّر برای شهیدان پرداخته‌اند، از روحیه‌ای حماسی ملهم از عناصر و باورداشت‌های معنوی برخوردارند (میرجعفری، ۱۳۷۶: ۱۷۹).

صحرای خطر گام مرا می‌خواند
صهباي خطر گام مرا می‌خواند
وقت خوش رفتن است هان گوش کنید
از عرش کسی نام مرا می‌خواند
(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۷۵)

شاعران جنگ در این دو قالب به ویژه رباعی به طور مستقیم و غیرمستقیم به انقلاب عاشورا، شخصیت‌ها و فرهنگ آن می‌پردازند.

«از ویژگی‌های این دو قالب این است که کلمات مهجور و قدیمی و واژه‌های شکسته یا مخفف در آنها کمتر دیده می‌شود.» (میرجعفری، ۱۳۷۶: ۱۸۱) توجه به دوبیتی‌های پیشین، گاه در شعر جنگ به افراط کشیده شده است. قزوه با زبانی نه چندان محکم در قالب دوبیتی از باباطاهر و فایز تقلید می‌کند و در توصیف شهید جاویدالثری می‌گوید:

تنت خونی، لباست پاره پاره
خودت ماهی، دو چشمونت ستاره
نمی‌دونم کجایه قبرت اما
الهی نور بر قبرت بیاره
(قزوه، ۱۳۷۴: ۴۷)

پیشروان این دو قالب حسن حسینی و قیصر امین‌پور بودند و پس از آنان تقریباً تمامی شاعران از جمله حسین اسرافیلی، سلمان هراتی، نصرالله مردانی، سهیل محمودی، ایرج قبری و محمدرضا عبدالملکیان در این دو قالب اشعاری سرودند.

۵. قصیده

قصیده در شعر جنگ جلوه خاصی ندارد و چندان مورد توجه قرار نگرفته است. «بیشتر کسانی که به قالب قصیده پرداخته‌اند، دوره اشعاری خود را پیش از انقلاب آغاز کرده‌اند و شعرای جوان کمتر به این قالب روی آوردند.» (میرجعفری، ۱۳۷۶: ۲۰۷)

از میان شاعران معاصر، قصاید مهرداد اوستا ضمن حفظ قواعد قصیده، رویکردی تغزلی دارد و

با بهره‌وری از تعبیر شاعران غزلسرا به زبانی خاص و ممتاز دست یافته است (ترابی، ۱۳۷۵: ۲۱۷).
 اوستا در این گونه قصیده‌ها با لحنی حماسی از عشق و حالت عاشق سخن می‌گوید:

خرامد چون بهار از کوهساران	به طرف بوستان و مرغزاران
چو آوای ملک در بزم ناهید	سرود رود و بانگ آبشاران
... الا ای اختر بـرج شهادت	غلام بخت و جاهت شهریاران
به دلها چون کبوتر می‌زند پر	امید خاطر امیدواران

(اوستا، ۱۳۶۹: ۶۹)

ثابت محمودی (سهیل)، علی موسوی گرمارودی، حمید سبزواری، محمود شاهرخی، مشفق کاشانی، قادر طهماسبی، سپیده کاشانی، سیمیندخت وحیدی و فاطمه راکعی نیز سروده‌هایی در قالب قصیده دارند؛ اما به دلیل اینکه قصیده مناسب حال و هوای جنگ نبود، جدی گرفته نشد.

۶. چهارپاره

چهارپاره در واقع دوبیتی‌های پیوسته یا مثنوی‌های با مصراع‌های دوپاره با اوزان بلند است. زبان توصیفی و رمانتیک در چهارپاره‌های جنگ «به بیان حماسی و درشت‌نکی هماهنگ با تپش‌های مردم به ویژه در عرصه جنگ و دفاع از مرز و بوم و آرمان‌های خویش می‌پردازد» (ترابی، ۱۳۷۵: ۲۲۹). از میان شاعران جنگ، حسین اسرافیلی، محمدعلی محمدی، ساعد باقری، مهرداد اوستا، بهمن صالحی، سلمان هراتی، محمدرضا عبدالملکیان و سپیده کاشانی چهارپاره‌های نسبتاً موفقی را عرضه کرده‌اند. مضمون چهارپاره‌ها حماسی-اجتماعی بوده، از فضای رمانتیک چهارپاره‌های قبل از انقلاب به دور است.

شعر «بدرقه» محمدرضا عبدالملکیان از جمله چهارپاره‌های نسبتاً موفق جنگ است که سرشار از عاطفه و احساسات شاعرانه است.

دست بر گردن پدر افکند
 اشک‌هایش گونه پرپر شد
 آبی آسمان چشمانش
 تیره شد، تار شد، مکدر شد
 ... کودک احساس کرد قلب پدر
 پرتپش تر ز قلب دریاهاست
 پدر احساس کرد قلب پسر
 آفتاب زلال فرداهاست
 مرد اندیشناک جبهه جنگ

ماشه و تیر و آتش افروزی
کی می آیی پدر؟ پدر خاموش
در دلش گفت: روز پیروزی

(عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۴۷)

۷. قالب‌های نو (نیمایی، سپید)

علاوه بر قالب‌های کهن، شاعران جنگ از اشعار «نیمایی و سپید» نیز برای بیان مضامین جنگ استفاده کرده‌اند که حاصل این تلاش شعری است نو و صمیمی که افزون بر ریشه داشتن در زمان خود، در حیطه‌ی اندیشه نیز به دلیل بهره‌مندی از فرهنگ بومی و سنتی از زنده‌ترین جریان‌های شعری این دوره است (ترابی، ۱۳۷۵: ۲۳۱).

از ویژگی‌های اشعار نیمایی و سپید جنگ، استفاده از واژگان و تعبیرات مذهبی، رعایت ساختمان طبیعی کلام، استفاده از ضرب‌المثل‌ها، به کاربردن ترکیبات زیبا و خوش‌نواختی چون سبز سرخ، مردان آفتاب و جبروت عشق است. شاعران جنگ با زبانی ساده و صمیمی وقایع جنگ را به تصویر کشیده‌اند. قیصر امین‌پور، محمدرضا عبدالملکیان، سلمان هراتی، علی موسوی گرمارودی، علیرضا قزوه، بهمن صالحی، حسن حسینی، ضیاءالدین ترابی، طاهره صفارزاده و صدیقه وسمقی از شاعر نوپرداز جنگ هستند و در این میان حمید سبزواری و علی معلم با شعر نو مخالف‌اند.

«شعری برای جنگ» از بهترین سروده‌های نیمایی قیصر امین‌پور است که با زبانی ساده در بحر مضارع سروده شده است:

می‌خواستم / شعری برای جنگ بگویم / دیدم نمی‌شود / دیگر قلم زبان دلم نیست / گفتم: / باید زمین گذاشت قلم‌ها را / دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست / باید سلاح تیزتری برداشت / باید برای جنگ / از گلوله تفنگ بخوانم / - با واژه فشنگ - (ترابی، ۱۳۷۵: ۲۲۹).

«مولا ویلا نداشت» از سروده‌های سپید علیرضا قزوه است. وی در قسمتی از این شعر ضمن تداعی خاطرات شهیدان از فراموشی آنان دلگیر است.

راستی یاد شهیدان بیت‌المقدس به خیر! / جهان آرا که بود؟ / حاج همّت که بود؟ / حاج عباس از دنیا یک قرآن جیبی داشت / شهید خرازی / شهید نوری / سرداران بی‌دست / شهیدان گمنام / بی‌یادنامه / بی‌سنگ قبر / عاصمی پور چه شد / یوسف نوشته بود: / «خدایا، یوسف هم شهید شد، او را بیامرز» / اسماعیل وصیت کرد روی قبرش بنویسند: / «پرکاهی تقدیم به آستان الهی» / امسال هیچ شاعری با حلق اسماعیل همصدا نشد / راستی شماره قطعه شهدا چند بود؟! (قزوه، ۱۳۷۸: ۸۳).

۸. سایر قالب‌ها

قطعه، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مسمط و مستزاد از قالب‌های نادر و کم‌کاربرد شعر جنگ‌اند که در

آنها موضوعات و مضامین جنگ به کاررفته است. توصیف شکوهمند شهیدان، دلتنگی برای آنان و تحسّر شاعر از زنده ماندن، دفاع از وطن و میهن‌دوستی از مضامین عمده‌ای است که در این قالب‌ها آمده است.

محمودشاهرخی، غلامرضا رحمدل، مهدی اخوان ثالث، علی موسوی گرمارودی، قیصر امین‌پور، مشفق کاشانی، محمود آقاجانی و فاطمه راکعی سرایندگان قالبهای مذکورند.

نتیجه‌گیری

جنگ در سال ۱۳۵۹ انقلاب را وارد عرصه تازه‌ای کرد. تحولات اجتماعی و سیاسی ناشی از جنگ بر ادبیات تأثیر گذاشت و شاخه‌ای به نام «شعر جنگ» پدید آمد. شاعران جنگ از قلم‌فرسایی در پرتو رنگ حاکم بر عاطفه نوینی که فضا را درنوردیده بود، خودداری نورزیدند و از تمامی قالب‌های شعری برای بیان مفاهیم و موضوعات جنگ استفاده کردند.

به طور کلی این موضوعات را رجزهای حماسی، فخر، شهید و شهادت، جانبازان و اسرا، دلتنگی و تحسّر، اعتراض، آرمان، جنگ؛ دفاع و باورهای مذهبی- عرفانی، فتح و پیروزی و وطن که گاه با مضامین عاشورایی و عرفانی همراه شده است، تشکیل می‌دهد که هر یک از این موضوعات خود، شامل مضمون‌های متعددی است.

آثار و پیامدهای جنگ نه تنها موضوعات شعر، بلکه قالب‌های شعری را تحت تأثیر قرار داده است. غزل در این دوره از محدوده شناخته‌شده خود گذشته، با حماسه درمی‌آمیزد. تلفیق حماسه و عرفان، غزلیات حماسی - عرفانی را به وجود می‌آورد. همچنین بخشی از این قالب را سوگ سروده‌ها تشکیل می‌دهد. مثنوی از پویاترین قالب‌های شعر جنگ است که گاه در شکل ساده و روان بر زبان شاعر جاری شده، گاه صلابت و استواری خاصی دارد. شاعر جنگ، رباعی را در خدمت لحظه‌های حساس قرار می‌دهد و در دوبیتی گاه به پیشینیان توجه دارد. فضای ایبات غزل در غزل مثنوی‌های جنگ با کل مثنوی یکسان است و این ویژگی سبب تمایز این قالب از شکل پیشین آن گردیده است. قصیده در شعر جنگ لحن حماسی دارد. چهارپاره‌های جنگ حماسی و اجتماعی است و فضای رمانتیک چهارپاره‌های قبل از انقلاب را ندارد. قالب‌های نو (نیمایی و سپید) شعر جنگ، فراوان است و شاعران با زبانی ساده و صمیمی وقایع جنگ را به تصویر کشیده‌اند. سایر قالب‌های شعر، در سروده‌های جنگ نمود خاصی ندارند و گاه به نمونه‌های معدودی بسنده شده است.

پی‌نوشت

۱. نگرش این شاعر به قصیده‌ی معروف منوچهری به مطلع: فغان از این غراب بین و وای او/ که در نوایم افکند

نوی او و چامه‌ی ملک‌الشعرای بهار به مطلع: فغان ز جغد جنگ بین و وای او / که در نوایم افکند نوای او
 ۲. نخستین بار عیوقی در «ورقه و گلشا» با حفظ وزن اصلی منظومه، غزلهایی ضمن داستان سروده است.
 امیر خسرو دهلوی نیز در مثنوی «قران السعدین» تعدادی قصیده و غزل می‌آورد و در آنها به وزن عمومی
 مثنوی پشت می‌کند و در وزنی بجز وزن اصلی مثنوی می‌سراید. پس از امیر خسرو، عبید زاکانی در
 منظومه «عشاقنامه» تجربه عیوقی را تکرار می‌کند و در ضمن مثنوی سرایی به غزلگویی می‌پردازد، اما وزن
 غزلیات عبید ادامه وزن مثنوی اوست. (ر.ک: رستگار فسایی، منصور؛ انواع شعر فارسی، ص ۴۶۲-۴۷۰).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اخلاقی، زکریا (۱۳۷۸) تبسم‌های شرقی، چاپ دوم، تهران، حوزه هنری.
- امین پور، قیصر (۱۳۶۳) تنفس صبح، چاپ اول، تهران، حوزه هنری.
- اوستا، مهرداد (۱۳۶۹) امام حماسه‌ای دیگر، چاپ سوم، تهران، حوزه هنری.
- _____ (۱۳۶۳) در کوچه آفتاب، چاپ اول، تهران، حوزه هنری.
- باقری، ساعد (۱۳۷۲) و محمدرضا محمدی نیکو، شعر امروز، چاپ اول، تهران، الهدی.
- باقری، ساعد (۱۳۶۵) نجوای جنون، چاپ اول، تهران، برگ.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۷۳) «ادبیات انقلاب» مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، سمت.
- تجلیل، جلیل، «ویژگی‌هایی از شعر انقلاب اسلامی»، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی.
- ترابی، ضیاء‌الدین (۱۳۷۵) پیرامون شعر، چاپ اول، تهران، سوره.
- جعفریان، محمدحسین (مهر ۱۳۶۹) «انقلاب و جنگ در شعر معاصر» ادبستان، س ۱، ش ۱۰.
- حسینی، حسن، ۱۳۶۳، همصدا با حلق اسماعیل، چاپ اول، تهران، حوزه‌هنری.
- رادفر، ابوالقاسم «دگرگونیها و ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی در یک نگاه» مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۳) انواع شعر فارسی (مباحثی در صورتها و معانی شعر کهن و نو فارسی چاپ دوم، شیراز، نوید.
- رستگار، مهدی «نوآمدگان شعر انقلاب اسلامی»، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۷۸) «مرگ اندیشی در ادبیات گذشته، معاصر و انقلاب» ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، کمیته علمی کنگره، ج ۲، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- شورای شعر کنگره‌ی سرداران شهید سپاه استان تهران (گردآوری) (۱۳۷۷) از رزم از پرواز (گزیده‌ای از اشعار دفاع مقدس)، چاپ اول، تهران، کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه استان تهران، کمیته انتشارات.
- صالحی، بهمن (۱۳۶۹) نخل سرخ، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی گسترش هنر.
- عبدالملکیان، محمدرضا (۱۳۶۶) ریشه در ابر، چاپ اول، تهران، برگ.
- عزیزی، احمد (۱۳۶۷) کفشهای مکاشفه، چاپ اول، تهران، شقایق.
- قبادی، حسینعلی (بهار ۱۳۷۹) «تبیین تحولات شعر فارسی پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش، ش ۲.
- قزوه، علیرضا (۱۳۷۸) از نخلستان تا خیابان، چاپ پنجم، تهران، حوزه هنری.

- _____ (۱۳۷۴) شبلی و آتش، چاپ اول، تهران، اهل قلم.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۷۶) آوازه‌های نسل سرخ، چاپ اول، تهران، عروج.
- _____ (۱۳۶۹) مرثیه روح، چاپ اول، تهران، حوزه هنری.
- محمودی، ثابت (سهیل) (۱۳۶۵) دریا در غدیر، چاپ دوم، تهران، حوزه هنری
- مردانی، نصرالله (۱۳۷۴)، سمنند صاعقه، چاپ اول، تهران، حوزه هنری.
- مشفق، کاشانی (۱۳۷۳) سرود سرخ بهار، چاپ دوم، تهران، حوزه هنری.
- میرجعفری، سیداکبر (۱۳۷۶) حرفی از جنس زمان، چاپ اول، تهران، قو.
- هراتی، سلمان (۱۳۷۶) از آسمان سبز، چاپ دوم، تهران، حوزه هنری.
- وزارت ارشاد اسلامی (۱۳۶۲) شعر جنگ، چاپ اول، تهران.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵) چون سبوی تشنه، چاپ سوم، تهران، جامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی